

برنامه ریزی صحیح برای بهره‌گیری بخش خصوصی از منابع اعتباری خارجی ضروری است

نشریه:

بررسی و ارزیابی لایحه بودجه سالانه کشور و بودجه عمومی، همواره می‌تواند دورنمای روشنی را در اختیار کارآفرینان بخش خصوصی گذارد، زیرا از این طریق آنها درمی‌یابند که عمده‌ترین اهدافی که بخش عمومی در سال بعد دنبال خواهد کرد چیست و نتیجه این اقدامات چه پیامدهایی خواهد داشت و چه زمینه‌هایی را برای فعالیت کارآفرینان مهیا می‌سازد. اگر چه ممکن است ارقام مصوب با عملکرد بودجه همواره تفاوت داشته باشد، اما چنانچه ارقام پیش‌بینی شده در بودجه به ویژه در بخش درآمدها (ارزی و ریالی، نفتی و مالیاتی) به واقعیت نزدیک باشند، شاید بیش از ۹۰ درصد اهداف و برنامه‌های دولت تحقق پیدا کند. بنابراین ارزیابی بودجه می‌تواند چراغی فراروی فعالان بخش خصوصی برای تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات و برنامه‌ریزی‌های آتی باشد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر حمید برادران شرکاء رییس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در زمینه وضعیت بودجه سال آینده، درآمدها و هزینه‌های ارزی، نقش سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های بخش دولتی بر فعالیت‌های بخش خصوصی و... به طرح مسایل مورد نظر بسیاری از دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی پرداخت.

با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

■ با توجه به پیش‌بینی قیمت نفت در بودجه سال آینده، وضع تراز بازرگانی خارجی و حساب جاری کشور را در سال آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ با توجه به اینکه بسیاری از پیش‌بینی‌های مؤسسات بین‌المللی مالی و اقتصادی بیانگر این است که رکود در سطح اقتصاد جهانی برای سال آینده

ادامه خواهد داشت، به نظر می‌رسد که ما نباید افزایش قیمتی را برای نفت در سال آینده تصور کنیم، مگر اینکه یک حادثه غیرمترقبه صورت بگیرد و یک شوکی بر بازار وارد شود. در غیر این صورت نمی‌توان خیلی امیدوار بود که جهشی در قیمت‌های جاری نفت رخ دهد. بنابراین بهتر است به این نکته در تنظیم بودجه ۷۸ توجه کنیم.

وضع تراز بازرگانی کشور در سال آینده نیز بستگی به این دارد که وضعیت صادرات غیرنفتی و واردات کشور چگونه باشد. در بخش صادرات قطعاً یک طرف ما هستیم و طرف دیگر تقاضاکنندگان خارجی می‌باشند. اگر به وضعیت رکود اقتصاد جهانی توجه کنیم، به ظاهر نباید در میزان صادرات غیرنفتی ایران نیز جهشی ایجاد شود. اما واردات

در اختیار خودمان است و باید ببینیم چه میزان واردات می‌خواهیم داشته باشیم و این تعیین کننده است و آنچه مسلم است باید بیشتر واردات کشور به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای اختصاص یابد و حتی الامکان از واردات کالاهای مصرفی خودداری شود. مجموعه این سیاست‌ها در تعیین وضع تراز حساب جاری و بازرگانی خارجی مؤثر خواهد بود.

■ در صورت عدم تحقق درآمدهای نفتی و مالیاتی در سال آینده چه راهکارهایی را برای تأمین کسری بودجه دولت

پیش‌بینی می‌کنید که آثار تورمی کمتری داشته باشد؟

ابتدا باید صرفه‌جویی در بودجه را جدی بگیریم. حتی در شرایطی که درآمدهای نفتی هم تحقق پیدا کند، باید با اصل صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت به‌طور جدی برخورد کنیم. به‌نظر می‌رسد اگر در هزینه‌های دولت ۱۰ تا ۲۰ درصد صرفه‌جویی شود، تأثیر مهمی در سیاست‌های دولت نخواهد داشت، منظورم آثار منفی است. یعنی ما می‌توانیم همین آثار را با حدود ۲۰ درصد صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت داشته باشیم. در کنار آن اوراق مشارکت می‌تواند تجربه خوبی برای تأمین درآمد تلقی شود.

به‌نظر من اگر آقای رییس‌جمهوری با بیان وضعیت خاص اقتصادی کشور، با توجه به مسایلی که مبتلا به ما فقط نیست و در سطح جهان وجود دارد، اگر انتشار و فروش اوراق مشارکت را در قالب کمک مردم به بهبود اقتصاد ملی توصیه کنند، مؤثر خواهد بود. تجربه‌های اخیر هم مؤید این مطلب بوده است.

من معتقد هستم در شرایط فعلی ما نباید از موضوع بانک مرکزی هم غافل شویم. یعنی به لحاظ شرایط رکودی که در کشور وجود دارد، حتی اگر برای تأمین هزینه‌های ضروری دولت، از بانک مرکزی استقراض شود، نمی‌گویم آثار تورمی ندارد، ولی آثار شدید تورمی نخواهد داشت. با توجه به شرایط رکودی

○ با توجه به پیش‌بینی‌های مؤسسات بین‌المللی مالی و اقتصادی مبنی بر ادامه رکود اقتصاد جهانی در سال آینده، به نظر می‌رسد که نباید در انتظار افزایش بهای نفت در بازارهای بین‌المللی باشیم، مگر آنکه شوکی به بازار نفت وارد شود.

که بر اقتصاد کشور حکمفرماست و حجم بالای سهم دولت در اقتصاد ملی، اگر این بخش در بهبود اوضاع اقتصادی، دخالت نکند، ممکن است اوضاع وخیم‌تر شود.

■ بحث جداسازی سیاست‌های پولی و مالی در بودجه ۷۸ چگونه دیده شده است و چه اثرات مثبت و منفی دارد؟

آنچه مسلم است ما باید سیاست‌های پولی و مالی مستقل از هم داشته باشیم و سعی کنیم بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی از استقلال برخوردار شود. ولی در کنار این مسأله فراموش نکنیم که حتی در کشورهایی که استقلال بانک مرکزی وجود دارد، بانک و دولت در اجرای سیاست‌های اقتصادی مکمل یکدیگر هستند. به عبارت دیگر با تلفیق مناسب این دو سیاست (پولی و مالی) هدف اصلی که بهبود اوضاع اقتصادی است را دنبال می‌کنند. این دو نباید در مقابل یکدیگر قرار بگیرند. اگر ما بتوانیم روی این قضیه با حفظ منافع اقتصادی جامعه کار کنیم، به‌نظر می‌رسد که سیاست مفیدی باشد.

■ با توجه به میزان تسهیلات تکلیفی پیشنهاد شده در لایحه بودجه ۷۸، میزان اعطای اعتبارات نظام بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه بخش بازرگانی چه تغییری خواهد کرد؟ سهم بخش دولتی و خصوصی در کسب اعتبارات از بانک‌ها چقدر خواهد بود و چه نقشی در تحرک فعالیت‌های اقتصادی

بخش خصوصی خواهد داشت؟

بحثی که در زمینه تسهیلات تکلیفی وجود دارد، آن است که نفس این اعطای تسهیلات خوب است، مشروط بر آنکه تسهیلات مذکور واقعاً

سرمایه‌گذاری شود. متأسفانه در یاره‌ای موارد به لحاظ فقدان نظارت نظام بانکی، این تسهیلات صرف سرمایه‌گذاری نشده، زیرا در قانون سیستم نظارت بر این وام‌ها و اعتبارات پیش‌بینی نشده است. در ضمن تحقیقات به‌عمل آمده نیز مؤید این مطلب است.

اگر بتوان مکانیزمی را فراهم کرد که واقعاً این تسهیلات در بخش‌هایی که در بودجه پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌گذاری شود، می‌تواند در حل مشکلات اقتصادی کشور مؤثر باشد. اگر نظام بانکی به‌عنوان تزیق‌کننده خون در اقتصاد تلقی شود، باید در موارد مختلف در اجرای چنین نقشی به‌طور فعال مشارکت کنیم. در رابطه با بخش بازرگانی خصوصی می‌توان گفت، بانک‌ها در ارتباط با توزیع تسهیلات باید به بهره‌وری و کارایی آنها توجه کنند. اگر بخش بازرگانی خصوصی چنین امکانی دارد و بهره‌وری و کارایی بیشتری دارد، تسهیلات به این بخش واگذار شود و اگر نه در بخش دولتی ما باید به این نتیجه برسیم که دولت باید زمینه و بستر

مناسب برای توسعه بخش خصوصی در کشور را فراهم کند.

باید به سمتی برویم که تمام فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی انجام شود و بعد از اینکه این زمینه‌ها فراهم شد، در ارتباط با راه‌های تأمین مالی برای پروژه‌های تجاری بخش خصوصی، راهکارهایی را پیشنهاد کنیم.

قدر مسلم آن است که در رابطه با تأمین مالی طرح‌های بخش خصوصی می‌توان به منابع مالی در داخل و خارج کشور توجه داشت. البته در استفاده از منابع خارجی برای تأمین مالی پروژه‌ها به دو مطلب مهم باید توجه شود که سودآوری و امنیت سرمایه‌گذاری است.

اگر واقعاً می‌خواهیم از این امکانات استفاده کنیم که خیلی از کشورهای دنیا از آن استفاده می‌کنند، باید با حفظ منافع ملی در این زمینه‌ها کارهای جدی صورت بگیرد. حالا

فرض می‌کنند که در مورد سرمایه‌گذاری داخلی هم صادق باشد. روی سرمایه‌گذاری داخلی هم باید امنیت سرمایه و سودآوری وجود داشته باشد.

نکته حایز اهمیت آن است که در سال‌های اخیر به دلیل سودآوری بالای بخش تجارت، بیشتر سرمایه‌ها وارد این بخش شده و متأسفانه از یک نکته مهم غافل شده‌ایم و آن اینکه ابتدا باید کالایی تولید شود و بعد توزیع گردد تا تجارتی صورت گیرد. در نتیجه دولت به عنوان تنظیم‌کننده سیاست‌های اقتصادی باید شرایطی را فراهم کند که توزیع سرمایه بین بخش‌های تولیدی و تجاری، مناسب باشد.

اگر قرار باشد به لحاظ کمبود ارز، تجارت خارجی ما دچار مشکل شود و نیز بر اثر کمبود تولیدات تجارت داخلی با تنگنای روبه‌رو باشد، زمینه‌ای پیدا

نمی‌شود که بخش تجارت فعال داشته باشیم. حتی بررسی‌های انجام شده درباره برخی کشورها نشان می‌دهد که امروزه بخش تولید و تجارت در یک جهت با یکدیگر کار می‌کنند. شرکت‌های تولیدی خود در امر تجارت و توزیع وارد شده‌اند و این امر نشان می‌دهد که تا تولیدی وجود نداشته باشد، توزیعی به وجود نمی‌آید. ما باید به این نکته توجه کنیم و از آن غافل نشویم.

■ آیا سال آینده بخش خصوصی می‌تواند از اعتبارات خارجی بهره‌مند شود؟ به ویژه بخش بازرگانی چگونه می‌تواند به این اعتبارات دسترسی پیدا

○ دولت باید زمینه مناسب برای توسعه بخش خصوصی را فراهم کند و به سمتی حرکت کنیم که تمام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش مالی پروژه‌های بخش خصوصی از جمله طرح‌های تجاری (راهکارهایی) را پیشنهاد کنیم.

کند و چه تأثیری بر بازرگانی خارجی خواهد داشت؟

□ در رابطه با اعتبارات خارجی مسأله تضمین مطرح است. معمولاً تضمین و تأمین این نوع اعتبارات فقط با تأیید بانک مرکزی صورت می‌گیرد. در حقیقت کانال تنظیم‌کننده دولت و مصرف‌کننده این اعتبارات بخش خصوصی است. اگر واقعاً ما بخواهیم روی فعال کردن بخش خصوصی متمرکز شویم، دولت باید تسهیلاتی را در این زمینه فراهم کند تا بخش خصوصی بتواند از این اعتبارات استفاده نماید. اتفاقاً بسیاری از مؤسسات مالی بین‌المللی هم ترجیح می‌دهند که اعتبارات اعطایی آنها در بخش خصوصی مصرف شود، ولی یک تضمینی از سوی دولت داشته باشد و این امر نیاز به یک برنامه‌ریزی صحیح دارد.

اگر بتوانیم از طریق منابع داخلی یا صادرات منابع ارزی موردنیاز اقتصاد کشور را فراهم کنیم، باید از اعتبارات خارجی استفاده کنیم و از محل سودآوری طرح‌های سرمایه‌گذاری ضمن بازپرداخت بدهی‌های خارجی، زمینه توسعه فعالیت‌های صادراتی را فراهم کنیم. یعنی در حقیقت اگر ما از منابع داخلی نمی‌توانیم ارز به دست آوریم، از منابع خارجی کسب کنیم، ولی به این شرط که این منابع خارجی که در داخل کشور مصرف شود، بعداً بتواند تعهدات خود را بازپرداخت کند و این‌طور نشود که بخش خصوصی اعتبارات خارجی را بگیرد و دولت و بانک

مرکزی هم آن را تضمین کنند و بعداً بازپرداخت نکنند و تضمین‌کننده که بانک مرکزی و دولت است، مجبور شود پرداخت تعهدات را انجام دهد. زیرا این یک سیاست صحیح نیست.

اعتبارات خارجی باید جایی سرمایه‌گذاری شود

که مولد باشد و برگشت آن تضمین شود و هزینه‌ای به دوش دولت نگذارد که در حقیقت پرداخت‌کننده آن ملت باشند.

■ دولت برای تحرک بخشیدن به تجارت خارجی چه کارهایی باید انجام دهد؟

□ مسأله تجارت، یک مقوله است و مسأله تولید مقوله دیگر. آنچه که ما الان در تجارت بین‌الملل شاهد هستیم، دو شرط اساسی برای توسعه تجارت وجود دارد. «قیمت‌ها» و «کیفیت». امروزه شما در دنیا شاهد هستید به دلیل شرایط رقابتی شدیدی که وجود دارد، کشورها در اجرای استاندارد و کنترل کیفیت کالاها بسیار جدی و دقیق هستند. وجود سیستم‌های استاندارد «ایزو» در حقیقت مؤید این مطلب است. امروزه به دلیل اینکه عرضه کالاها زیاد است، در حقیقت مشتری مشکل‌پسند شده است و به

صادرات کدام‌ها هستند و نهادهای دولتی و خصوصی چه نقشی می‌توانند در این زمینه داشته باشند؟

اعتماداً مؤسسات مالی بین‌المللی و بانک‌های بین‌المللی هستند که در این زمینه می‌توانند به ما اعتبار و وام بدهند. در مورد برخی از تولیدات، ما اگر بتوانیم از روش بیع متقابل (بای‌بک) استفاده کنیم، این حسن را دارد که از محل کالاهای تولید شده می‌توانیم بدهی‌های قبلی را بپردازیم. هر چند گرفتن قراردادهای بیع متقابل کار ساده‌ای نیست. در نتیجه بیشتر دنبال روش‌های تأمین مالی (یوزانس) باید رفت که مانند بدهی‌های کوتاه‌مدت است و باید فکری برای بازپرداخت آن کرد. البته اگر بتوانیم از طریق تنظیم قراردادهای بیع متقابل (بای‌بک) در جهت توسعه تولید و تجارت گامی برداریم، به نظر می‌رسد که معقول‌تر از سایر روش‌ها باشد.

شرکتهای سرمایه‌گذاری نمی‌توانند در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند؟

اگر کشورهای مختلف دنیا بازار تأمین سرمایه عمدتاً بازار سهام یا بورس است. اما در بازار سهام «بورس» باید تمهیداتی فراهم شود که آرامش خاطر برای صاحبان سهام فراهم شود. زیرا شوک‌های شدیدی که به بازار سهام وارد می‌شود، باعث می‌شود بسیاری از سهامداران که احتمالاً سهامداران جزء هستند، دچار نگرانی شوند و در این زمینه مخاطره (ریسک) را نخواهند پذیرفت. اگر در بازار سهام بتوانیم تمهیداتی به‌وجود آوریم که آرامش خاطر را برای افراد به‌وجود بیاورد، شاید یکی از روش‌های مؤثر تأمین سرمایه در کشور باشد.

افراد زیادی هستند که پول‌های ناسچیزی دارند، ولی مجموعه‌ای این پول‌های ناچیز که از طریق بازار سهام جمع شود، می‌تواند یک رقم عمده‌ای را برای سرمایه‌گذاری در کشور فراهم کند.

صورتی از آنها کالا وارد می‌شود که آنها در مقابل کالاهای ما را وارد کنند. اینها مجموعه اقداماتی است که دولت باید انجام دهد. در کنار آن تسهیلات مالی، ضمانت‌های پولی و تسهیلات ارزی و تنظیم نرخ مناسب برای ارز نیز یک رشته از این نوع کارهاست. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، اجرای اینها به وقت، هزینه و امکانات زیادی نیاز دارد. پس ما باید قدم‌ها را برداریم، ولی عجله نکنیم. این زمینه‌ها را فراهم کنیم به امید آنکه بتوانیم در این بازار پرقابلیت جایگاه مهمی برای خود به‌دست بیاوریم.

صادرات غیرنفتی امسال وضعیت خوبی نداشته و با وجود تغییراتی که دولت در اواخر سال قبل به‌وجود آورد، باز صادرات غیرنفتی به ارقام پیش‌بینی شده نمی‌رسد. به نظر شما چه تحول عمده‌ای را در این زمینه شاهد خواهیم بود؟

صادرات غیرنفتی نیاز به بسترسازی‌های مناسب دارد و آن زمینه‌ها هم در یک سال فراهم نخواهد شد. اما باید تلاش کنیم. اگر نیاز به صادرات غیرنفتی داریم، باید قدم‌های مؤثری در این زمینه برداریم و دولت هم باید در این زمینه کار کند. زمانی که کالاهای وارداتی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نباشد، طبیعتاً کمبود آنها روی تولید اثر می‌گذارد و وقتی تولید کم شود، روی صادرات نیز اثر خواهد گذاشت.

امروز در دنیا کالاها از یک نوع بالایی برخوردارند. اگر بخواهید به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنید، ناگزیر هستید این تحولات را دائماً انجام دهید. بخشی از این تحولات و تنوع در تولیدات کالاها منوط به ورود کالاهای سرمایه‌ای است. اگر واردات این کالاها متوقف شود، به‌طور طبیعی روی کیفیت کالاهای صادراتی اثر می‌گذارد و بخشی از مشتریان را از دست خواهیم داد و نمی‌توانیم به بازارهای جدید دسترسی پیدا کنیم.

راه‌های تأمین مالی واردات و

استانداردهای بهداشتی، بهبود کیفیت، محیط زیست و مسأله قیمت توجه کند. یعنی با حفظ این کیفیت‌ها، قیمت‌ها هم باید رقابتی باشد.

باید دقت داشت که بازارهای بین‌المللی نظیر بازارهای داخلی نیست که از ورود رقبا جلوگیری کنیم. در بازارهای جهانی رقیب‌ها حضور دارند و ما در آن واحد باید با تعداد کثیری از آنها رقابت کنیم. لذا این دو مسأله بسیار جدی است. حالا در کنار این مسایل نمی‌توان از مسایل سیاسی نیز غافل شد. معمولاً دولت‌ها خواست‌های سیاسی خود را از طریق مسایل تکراری دخالت می‌دهند. اگر دو کشور با یکدیگر روابط سیاسی خوبی نداشته باشند، روی تجارت آنها هم اثر می‌گذارد. حالا چگونه می‌توانیم قیمت‌ها را رقابتی کنیم، طبیعی است که باید بهره‌وری را بالا ببریم. از آخرین فن‌آوری و دانش فنی دنیا استفاده کنیم، باید نظام اطلاعاتی مجهز و نیروی انسانی متخصص داشته باشیم که با این فن‌آوری‌ها و کالاهای سرمایه‌ای نوین کار کنند. از تولید تا بررسی بازار. از آنجا که هدف بسیاری از مؤسسات، رضایت مشتری است، رقبا پیوسته در حال مطالعه هستند که مشتری‌شان چه سلیقه‌ای دارد، چه کالایی را دوست دارد و به چه کیفیتی نیاز دارد.

خوب نقش دولت در اینجا چیست؟ دولت باید زمینه انتقال فن‌آوری‌ها را فراهم کند، آموزش نیروی انسانی را انجام دهد، مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی ایجاد کند، نظام اطلاعاتی را برای تولیدکننده و تاجر فراهم کند، تسهیلاتی برای اجرای این امور در خارج به‌وجود آورد و از آنها حمایت کند و سرمایه‌های آنها را تضمین بکند. در ارتباط‌های سیاسی بتواند زمینه‌ها را برای ورود کالاها به بازارهای بین‌المللی فراهم کند. در قراردادهای متقابل شرایطی را ایجاد کند که شرکای خارجی برای ما تسهیلاتی را قایل شوند. در واقع مقابله به مثل کند و به کشور طرف تجاری بگوید در